

تصویر پردازی از مدیران آینده: به سوی الگوی قرآنی

دکتر غلامرضا گودرزی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۹/۶

محمد مهدی ذوالفقارزاده**

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۱/۱۳

چکیده

آینده‌پژوهی یا آینده‌نگری با رنگ و بوی غربی آن، از مباحث نوپایی است که در کشور ما نیز مطرح شده است. امروزه شاید در هیاهوی مجامع «اثبات گرایانه» مجال کمتری برای بیان یا طرح آینده‌نگری‌های قرآنی و دینی مانده باشد، اما آنچه مسلم است، نگاه عمیق قرآن و روایات اهل بیت (ع) به آینده، صحنه‌های آن و اداره‌کنندگان آن صحنه‌هاست. به یک معنی، قرآن-که تبیین همه چیز در آن است- کتاب آینده و آینده‌سازی و بهترین منبع برای تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده به حساب می‌آید. در این راستا پرداختن به مبانی و ایده‌های آینده‌اندیشی قرآنی و شیعی و توسعه نظام‌مند آن در ادبیات علم آینده‌پژوهی در کشور، امری لازم و ضروری است.

این مقاله، با نگاهی کوتاه به ادبیات آینده‌پژوهی و بررسی اجمالی آینده‌نگری در افق دین، بر موضوع «تصویرپردازی بصیرت‌بخش» از آینده به عنوان یکی از بهترین روش‌های آینده‌نگری الهی تأکید می‌کند. اما محور اصلی مقاله بررسی ویژگی‌های مدیران آینده در آن تصویر است. در این راستا با محور قرار دادن یکی از آیات قرآن، «صالحین» را از جانب خداوند، مدیران صحنه‌های آینده عالم دانسته و در ادامه سعی دارد تا ویژگی‌های صالحین را در قرآن بررسی نماید.

واژگان کلیدی

آینده‌نگری، تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده، آینده‌نگری الهی، بهشت ظهور، مدیران آینده، مدیران صالح آخرالزمانی، عمل صالح، صالحین

Rgoodarzi21 @ hotmail.com

* استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق (ع)

Zolfaghar @ ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشگاه تهران- پردیس قم

مقدمه

«آینده» را جاذبه‌ای است که همگان را شیفته تفکر پیرامون آن می‌کند. انسان، به آگاهی از سرنوشت جهان، سمت و سوی حرکت تاریخ بشری، برنامه‌ها و صحنه‌های پیش روی جامعه بشری در آینده، نحوه زندگی در آینده دور یا نزدیک، تحقق یا عدم تحقق وعده‌های ادیان و مکاتب پیرامون آینده و... تمایل نشان می‌دهد.

در واقع شیفتگی به موضوع وقوف بر آینده، شعبه‌ای از خصیصه ذاتی کنجکاوی و «علم‌جویی بشر» بوده که وی را از دیرباز مترصد پیش‌بینی حوادث و صحنه‌های آینده کرده است. (برزگر، ۱۳۸۲، ص ۶) در این میان شاهد شکل‌گیری یک روند تکاملی در اقدامات بشر برای جستجو و شناسایی آینده هستیم. به طوری که سیر این تکامل از پیش‌گویی‌های غیر علمی و خرافی آغاز شده و به دنبال نظام‌مند شدن علوم مختلف، دامنه آن را از اوهام و خرافات خارج؛ به عرصه علم و تحقیق و منطبق وارد کرده است. مهمترین کارکرد آینده‌پژوهی، ایجاد تصویری از آینده برای بهبود بخشیدن به آن است. (Cornish, 2004, pp.1-8) چرا که در نظام‌های اجتماعی، نوع نگرش مردم به آینده‌شان، عاملی بسیار تعیین کننده است، در واقع تصویر آینده‌ای که در ذهن مردم شکل می‌گیرد، نقشی اساسی در شکل بخشیدن به آینده ایفا می‌کند. (ملکی‌فر و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۶۲)

در این میان شیعیان از بهترین منبع برای توصیف و تصویرپردازی از آینده بوسیله قرآن کریم و معارف حقه اهل‌بیت (ع) بهره‌مند می‌باشند. قرآن کتاب آینده است؛ چرا که خداوند متعال در آن مشخصات فضاها، سرزمین‌ها و جوامع آینده را تا قیامت و بلکه بعد از آن به تصویر کشیده است. طبق این تصویر (توصیف) اولین سرزمین و جامعه‌ای که بشر بعد از دنیا به آن رسانده می‌شود، سرزمین ظهور است. که به دست خاتم اوصیاء و حجت الهی، امام مهدی (عج) و یاوران او، تحقق خواهد یافت و سرانجام «مدیریت» زمین به دست افراد شایسته (صالحان) خواهد افتاد. (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۸) با این توضیح پی‌بردن به ویژگی‌های آن جامعه و مدیران آن در آیات و روایات، می‌تواند برای جهت‌گیری‌های کلان جامعه شیعه، الگوبرداری از صفات مدیران آن و حرکت به آن

سمت، راهگشا باشد. چرا که شاید بتوان گفت، عوامل انسانی مهمترین عوامل در شکل‌دهی آینده جوامع بشری محسوب می‌شوند. (پورعزت، ۱۳۸۲، ص ۳۶)

۱. آینده‌پژوهی و تعاریف آن

هر تحقیق و پژوهشی دارای عنوان و موضوع خاصی است که «عرصه»، «مسایل» و «اهداف» آن پژوهش را تعیین می‌سازد. موضوع هر پژوهشی تعیین‌کننده «ماهیت» و رکن اصلی هویت علمی آن است و دقت در تعریف و تبیین «مفهوم موضوع» رابطه مستقیمی با درک صحیح چستی مسئله مورد نظر و حدود و ثغور آن دارد. (کميجانی، ۱۳۸۴، ص ۵) لذا لازم است در ابتدا به تبیین دقیق واژه‌های گوناگونی که در حوزه آینده‌پژوهی به کار برده می‌شود و تعاریف هر یک از آنها بپردازیم تا خاستگاه مباحث خویش را به صورت شفاف تبیین نماییم.

ناگفته نماند که در حوزه علوم انسانی به دلایل متعدد از جمله پیچیدگی و تنوع و بینش‌های گوناگون افراد نسبت به یک موضوع، برای بسیاری از مفاهیم، تعاریف بسیار متعددی به چشم می‌خورد و شاید همین تکرر و عدم توافق بر یک تعریف واحد، مبنای بسیاری از اختلاف نظرها و دیدگاه‌ها در حوزه علوم انسانی باشد. حوزه آینده‌پژوهی نیز از این امر مستثنی نبوده و صاحب‌نظران آن حتی بر روی نام رشته خود به توافق نرسیده‌اند. با توجه به این مطلب، معمولاً در حوزه آینده‌نگری از واژگان متعددی استفاده می‌شود که به لحاظ تبار غربی آن ترجمه‌های متعددی از آن نیز در کتب و مقالات فارسی به چشم می‌خورد و این خود بر تحیر پژوهشگر این حوزه می‌افزاید. (یاوری، ۱۳۸۴، صص ۱۳-۱۴) لذا در این بخش نگاهی گذرا بر مهمترین این واژه‌ها خواهد شد:

پیش‌گویی: بیان وقوع حتمی رخدادهای آتی است که عمدتاً فاقد مبنای علمی و مستند بر یک روش علمی مدون بوده و بیشتر بر اساس باور، خرافه و یا یافته‌های متافیزیکی است. در این تعریف پیش‌گویی امری غیرعلمی است، به این معنا که با روش علمی

نمی‌توان به لحاظ روش تحصیل آن در مورد صحت و دقت پیش‌گویی اظهار نظر نمود. (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۹۹)

پیش‌بینی^۲: حدسی علمی در خصوص ادامه روند آتی متغیرهای مشخص است که عمدتاً توأم با درصدی از خطا بوده و مبتنی بر روش‌های کمی و کیفی است. با توجه به اینکه واژه پیش‌بینی کاربرد بسیار زیادی دارد و در اذهان عامه مردم نیز آسان‌تر از آینده‌نگری معنای خود را می‌رساند، اکثر محققان و نویسندگان از این واژه به جای آینده‌نگری استفاده نموده‌اند. (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۰)

برنامه‌ریزی استراتژیک^۳: تعاریف متعددی از برنامه‌ریزی استراتژیک ارائه شده است که شاید بتوان آن‌ها را در این تعریف خلاصه نمود: «با توجه به امکانات و محدودیت‌های درونی و بیرونی، برنامه‌ریزی استراتژیک فرایندی است جهت تجهیز منابع سازمان و وحدت بخشیدن به اهداف و رسالت‌های بلندمدت.» که بیشتر و پیشتر یک نحوه تلقی و باور مبتنی بر آینده‌نگری است تا یک فن و تکنیک خاص. (الوانی، ۱۳۸۵، ص ۵۳)

تصویرپردازی^۴: ترسیم تصویری مطلوب و یا نامطلوب از آینده است که یا بر مبنای درک و نگرش آینده‌نگر در حال و هوای بشری و یا بر اساس سنن و علم الهی در فضای الهی صورت می‌گیرد. (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۰۱)

آینده‌پژوهی^۵: فرآیند مطالعه، بررسی و ارزیابی آینده‌های ممکن^۶ (آنچه می‌تواند باشد)، محتمل^۷ (آنچه احتمالش می‌رود) و یا مرجح^۸ (آنچه باید باشد) است. که در عصر اطلاعات به لحاظ بسیط‌تر شدن مفهوم زمان نسبت به دوره‌های قبل آن (عصر کشاورزی و صنعتی)؛ ضرورت فراوان یافته است. (Glenn, 2003, p. 5)

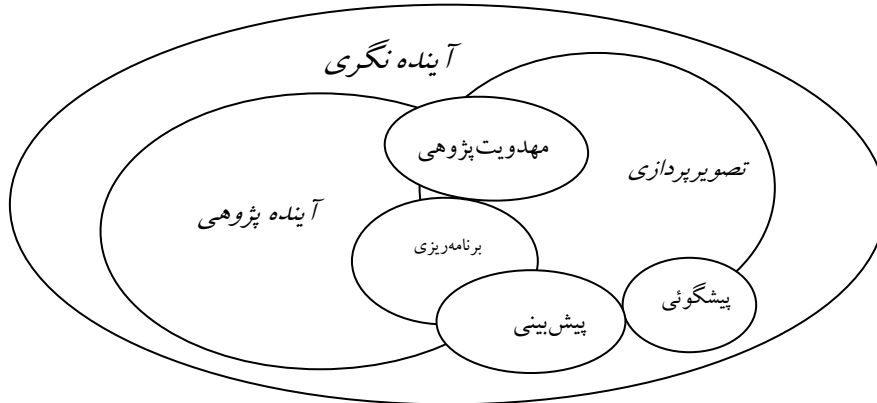
لازم به ذکر است که برای معادل لاتین این واژه از واژگان دیگری چون «آینده‌اندیشی»، «مطالعات آینده» و «آینده‌شناسی» نیز استفاده شده است. (پایا، ۱۳۸۳، ص ۲) آینده‌پژوهی دانشی است که به شکل علمی مولود دهه‌های پایانی قرن ۲۰ است

و اولین بار مورخ و آینده‌نگر آلمانی، «اوسپ فلشت‌هایم^۹» در سال ۱۹۴۳ اصطلاح Futurology را در زمینه برنامه‌ها و جهت‌گیری‌های جوامع نسبت به آینده ارائه نمود. (عسگری، ۱۳۸۳، ص ۸۱)

آینده‌نگری^{۱۰}: می‌توان به صورت توانایی تصور آینده از طریق مطالعه، تحقیق و یا تصویرپردازی با بهره‌مندی از روش‌های علمی، آموزه‌های دینی و یا کشف و شهود غیرمادی آن را تعریف نمود. در این تعریف آینده‌نگری در دو فضای الهی و بشری متصور شده و مفهومی بسیار عام و در عین حال با دقت بیشتری را شامل شده است. (گودرزی، ۱۳۸۳، ص ۱۴۲)

مهدویت‌پژوهی^{۱۱}: مهدویت‌پژوهی، به مطالعه آینده از دیدگاه مهدویت دلالت دارد و بر این اساس، آینده‌نمایی و «بلندبُرد» را در یک «مصادق تام و تمام» با غایتی «کمال‌جو» بررسی و دنبال می‌کند. مهدویت‌پژوهی علاوه بر منابع عقلی- فلسفی و احیاناً علمی- تجربی، به شدت در تبیین جزئیات، به منابع وحی و سنت و روش استنادی و اجتهادی وابسته است. (کارگر، ۱۳۸۳، صص ۱۳-۱۴)

در شکل ۱ ارتباط میان واژگان مذکور نشان داده شده است. در این شکل آینده‌نگری مفهومی است عام، که تمامی واژگان دیگر را دربرمی‌گیرد و در دو فضای الهی و مادی قابل طرح است. در فضای مادی تلاش‌ها عمدتاً بر مبنای پذیرش خطا و حرکت به سمت بکارگیری اصول به اصطلاح علمی است، لذا می‌توان بطور کلی آن را «آینده‌پژوهی» نامید. اما آینده‌نگری الهی عمدتاً بر مبنای تصویرپردازی است. بر این اساس انگاره مهدویت‌پژوهی را نیز می‌توان در فضای آینده‌نگری الهی در نظر گرفت که طبق تعریفی که گذشت به لحاظ تکیه بر منابع وحی و سنت با تصویرپردازی و به لحاظ وابستگی به منابع عقلی- فلسفی و احیاناً علمی- تجربی، با آینده‌پژوهی دارای وجوه اشتراک است.



شکل ۱: واژگان مهم در حوزه آینده‌نگری

۲. آینده‌نگری الهی و آینده‌نگری مادی

همه ادیان و بعضی از نحله‌های فکری بشری، در قالب تئوری‌های آینده‌پژوهانه، نهایت جهان را «نهایتی دیگر» و منجر به جامعه ایده‌آل بشری دانسته‌اند. (اصغری، ۱۳۷۹، ص ۱۲)

مطالعه در سیر تمدن بشری نشان می‌دهد که آینده‌نگری در ابتدا توسط انبیاء الهی با تأکید بر معارف و آموزه‌های دینی از یک‌سو و عامه مردم از سوی دیگر انجام شده است. در حقیقت حرکت آینده‌نگری در دو فضای کاملاً مجزای الهی و بشری صورت گرفته است. البته لازم به ذکر است که مقصود از طرح آینده‌نگری در دو بستر بشری و الهی به معنای تقابل این دو نیست، بلکه ماهیت متفاوت هر یک در روش شناسی، مبانی و دستاوردها باعث می‌شود که در تقسیم‌بندی دو فضا مدنظر باشد. (گودرزی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۲-۱۴۳) در واقع آنچه از آینده می‌دانیم یا در پی اندیشیدن انسان، فارغ از منظر الهی حاصل شده است و یا از طریق خداوند بر بشر، نازل گردیده است. این دقیقاً همان وجه تمایزی است که آینده‌نگری‌های فلسفی و تجربی را از آینده‌نگری‌های دینی جدا می‌سازد. علی‌رغم برخی تفاوت‌ها، می‌توان اشتراک در موضوع (آینده انسان و جهان)، فلسفه وجودی (برای آمادگی در برابر آینده) و نقش تأثیرگذار انسان و جوامع انسانی در آینده را، از جمله وجوه مشترک بین آینده‌نگری الهی و مادی

دانست. (کميجانی، ۱۳۸۴، صص ۱۳-۱۴) وجوه افتراق میان آینده‌نگری الهی و مادی در جدول ۱ خلاصه شده است.

وجه افتراق آینده‌نگری	مادی	الهی
گستره عرصه آینده‌نگری	حداکثر تا پایان دنیا: محدود به دنیا بوده و به بعد آن توجه یا اعتقادی ندارد.	دنیا و آخرت: علاوه بر دنیا به بعد آن نیز توجه دارد و بلکه اصالت را با آخرت می‌داند. ^{۱۲}
روش‌شناسی و منابع	عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی	مبتنی بر معارف و وعده‌های الهی
نگرش به ماهیت تاریخ و عوامل تعیین‌کننده آینده	یا جبرگرایانه (مارکس و هگل) و قطعی دانستن تاریخ؛ و یا عدم قطعی و منحصر دانستن آن در افعال انسانی.	به رسمیت شناختن اراده انسانی و نصرت او در صورت هماهنگی با خواست الهی.
جهت نگرش به آینده و ارائه تصاویر از آن	تاریک و تباه برای انسان، با القاء روحیات قوم‌گرایانه (تلاش جهت نجات ملت و قوم در خطر خویش از بحران القائی و ساختگی).	امیدوارکننده و روشن، پیروزی حق بر باطل و مدیریت صالحان.
غایت و اهداف آینده‌نگری	بهره‌مندی و رفاه هر چه بیشتر انسان در زندگی مادی.	رشد و تربیت همه‌جانبه انسان، بالفعل شدن قابلیت‌های فراوان خداوندی او و قرار گرفتن بر صراط‌مستقیم.

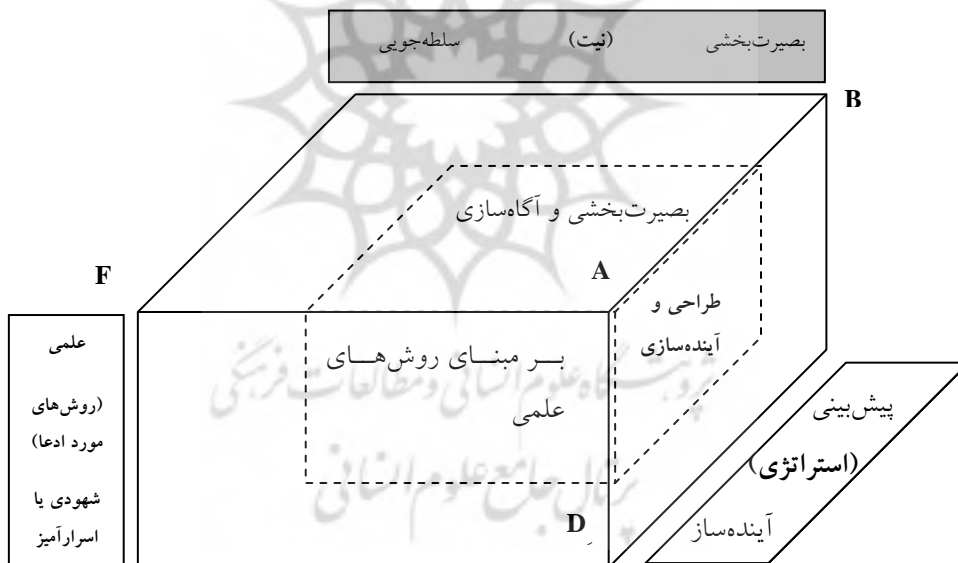
جدول ۱: وجوه افتراق آینده‌نگری الهی با آینده‌نگری مادی

۳. تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده؛ رویکردی مناسب در آینده‌نگری الهی

از یک نگاه، فهم آینده یعنی تلاش برای به‌دست آوردن تصویری از وضعیت‌هایی که در آینده تحقق پیدا می‌کنند و سپس ارائه توجیهی برای آن تصویر. (لاریجانی، ۱۳۷۷، صص ۲۷۶) از آنجا که این تصویرها زمینه عمل فرد را فراهم می‌کنند، بنابراین تصویر

مزبور از آینده در عمل امروز دخل دارد. هر عملی که فرد مرتکب می‌شود، در مرحله‌ای به تصویری که از آینده دارد، مربوط بوده و از آن فراتر، بدون تصویری از آینده، اعمال ارادی (کنش‌های) او صورت نمی‌گیرد. (کارگر، ۱۳۸۳، ص ۲۰)

همان‌طور که پیشتر مطرح شد، در تصویرپردازی از آینده، تصویری مطلوب و یا نامطلوب از آینده بر مبنای درک و نگرش آینده‌نگر در فضای بشری و یا بر اساس سنن و علم الهی در فضای الهی ترسیم می‌شود. که با دو رویکرد القائی (سلطه‌جویی) و بصیرت‌بخش (اصلاح و تکامل بشر) قابل پیگیری است. (پورعزت، ۱۳۸۳، ص ۲۳۸) در شکل ۲ جایگاه تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده، در سه بُعد روش، استراتژی و نیت، مشخص شده است. بر این اساس استراتژی «تصویرپردازی بصیرت‌بخش» بر مبنای اطلاعات و تحلیل‌های علمی، به اقدام آگاهانه برای طراحی و ساختن آینده شناسایی می‌شود.^{۱۳} (پورعزت، ۱۳۸۳، ص ۷۶)

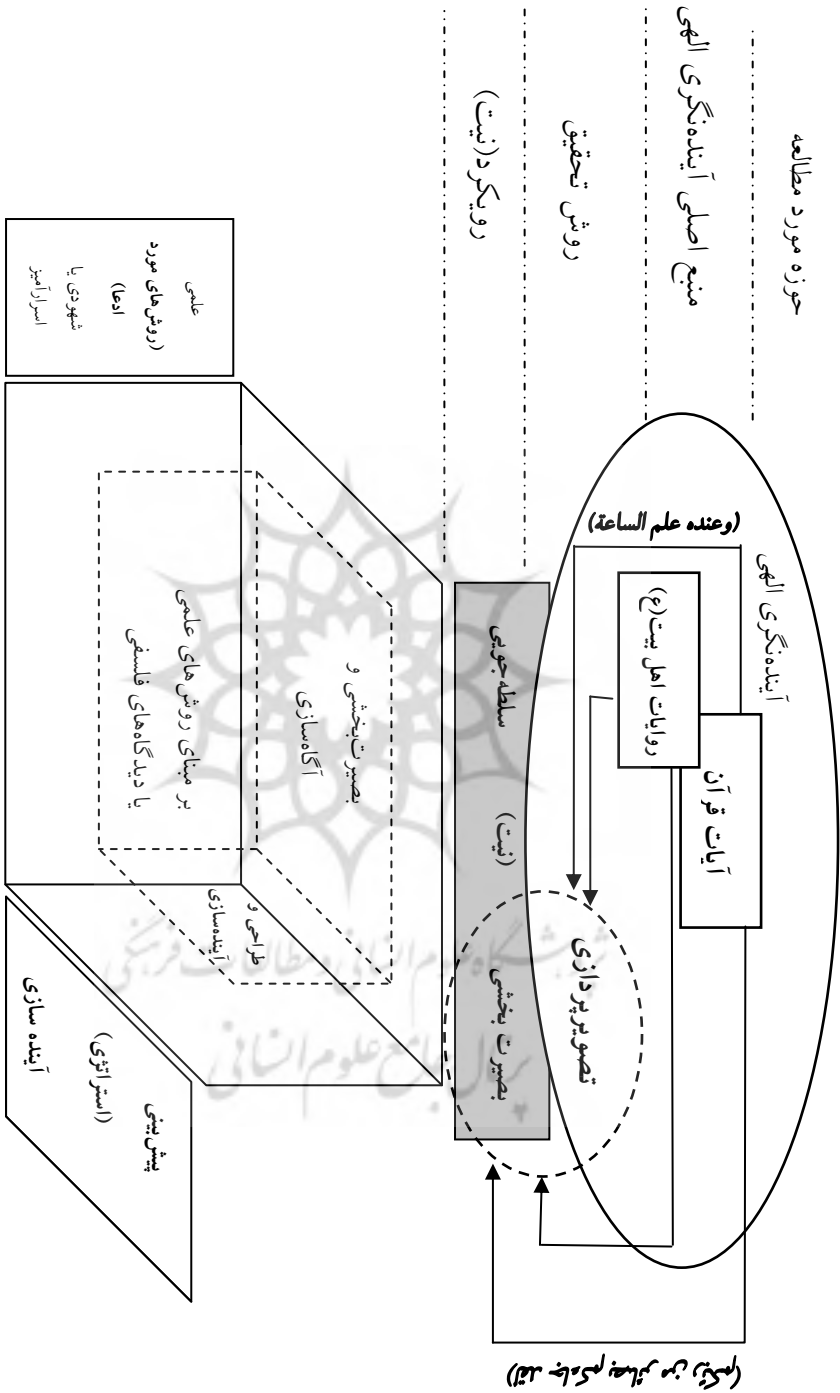


شکل ۲: جایگاه تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده (برگرفته از پورعزت، ۱۳۸۴، ص ۷۶)

در این صورت و با عنایت به تعریفی که از آینده‌نگری و تصویرپردازی و همچنین توضیحاتی که راجع به آینده‌نگری الهی مطرح شد، می‌توان تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده را بهترین روش در حوزه آینده‌نگری الهی در نظر گرفت. چه آنکه آینده‌نگری الهی از یک طرف با پیش‌گویی و از طرف دیگر با پیش‌بینی همخوانی نداشته و تنها آن را می‌توان با تصویرپردازی مناسب داد و از این نگاه قرآن و روایات سرشار از تصویرپردازی‌هاست یعنی از حقیقتی در آینده سخن می‌گویند که تحقق یافتنی است نه یک واقعه و صفت عارضی. (گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۷)

از سویی دیگر آیات قرآن و روایات سرشار از بصیرت‌بخشی (انعام: ۱۰۴) و تبیین (نحل: ۴۴ و ۸۹) است و بدین لحاظ چه منبعی بهتر از قرآن و در کنار آن روایات اهل‌بیت (ع) برای اطمینان از حصول بصیرت در تصویرپردازی. چه آنکه بصیرت دهی به انسان در منطق الهی، تجلی «اکرمیت» خداست. (نقی‌پورفر، ۱۳۸۴، ص ۴۲) درحقیقت، آیات قرآن و روایات ذیل آن‌ها، به‌سان چشمه‌ای جوشان، هم امر «تصویرپردازی» و هم قید «بصیرت‌بخشی» آن را سیراب خواهد نمود. (شکل ۳)

بر این اساس تلاش شده است تا با استفاده از آیات قرآن و روایات تصویری کلی و جذاب از آینده ارائه شود. چرا که یکی از لازمه‌های تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده، ارائه تصویری حقیقی از آینده است که شوق مستمر و پایدار مردم را برای تحقق آن بدون تمایل به راهبردهای تزویرمدار و با رعایت شاخص‌های تمام‌خرد و کمال‌هنر برانگیزاند. (پورعزت، ۱۳۸۳، صص ۲۳۷-۲۳۸) زیرا که، «قرآن» برای ارائه چنین تصویری از آینده، بالاترین قابلیت را دارد. چرا که این شاخص‌ها ریشه در فطرت آدمی داشته و کلام الهی با فطرت آدمیان سازگار است. ناگفته نماند که پژوهش حاضر در موضوع نخست، از آیاتی استفاده نموده که از طریق روایات اهل‌بیت (ع)، دال بر فضای بعد از ظهور بوده، از باب «جری»^{۱۴} (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۰) و در موضوع دوم، بیشتر از خود آیات قرآن، به‌روش قرآن به قرآن، بهره‌جسته است.



شکل ۳: روش تحقیق در مباحث آینده‌نگری (برگرفته از پیروعزت، ۱۳۸۴، ص ۷۶ و گودرزی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۶)

۴. تصویرپردازی از آینده مطلوب جامعه بشری

از مجموع توضیحات و روایات مفصل و فراوان اهل بیت (ع) پیرامون فضای بعد از ظهور می توان به این نتیجه رسید که فضای بعد از ظهور با فضای قبل از آن بسیار متفاوت است.^{۱۵} به طوری که به لحاظ برخی از ویژگی های عجیب و عظیم این فضا، می توان آن را «نشی های دیگر» دانست که با دنیای کنونی تفاوت اساسی دارد و سرانجام آن به قدری زیبا و عظیم است که به آن می توان واژه «بهشت» را اطلاق نمود. (انصاری بحرانی، ۱۴۲۷ق.، صص ۴۵-۵۰؛ رفیعی در: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴، صص ۱۳۳-۱۳۴؛ اصفهانیان، ۱۳۸۴، ص ۸) گویی در پایان عمر دنیا جلوه ای از زندگی دل انگیز بهشتی که در قیامت نصیب پارسایان خواهد شد، در این جهان به نمایش گذاشته می شود. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۵) به عبارت دیگر تصویری که از مجموع روایات وارده در این زمینه به دست می آید، یک تصویر بهشت گونه است.

نگارندگان در ادامه به جستجو در آیات قرآن پرداخته تا از این طریق صحت و اعتبار تصویر بهشت گونه حاصل از روایات را، در قرآن و روایات ذیل آن ها بررسی نماید. به بیان دیگر، قرآن که «تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (بیانگر همه چیز، نحل: ۸۹) است، آیا این تصویر را در خود نشان داده؛ تصدیق می کند؟ آیا در قرآن آیه یا آیاتی که حاکی از شکل گیری یک فضای بهشتی در بعد از ظهور و قبل از قیامت باشد، وجود دارد؟ آیاتی که به نوعی بر تصویرپردازی از آینده جامعه بشری دلالت داشته و اهل بیت (ع) به عنوان ترجمان وحی الهی، مصداق آن را بهشت بعد از ظهور معرفی نموده باشند.

بر این اساس کنکاشی در آیات قرآن پیرامون واژه «جَنَّت» و مشتقات آن؛ با عنایت به روایات ذیل آن ها صورت گرفت. آنچه در نگاه اول از بررسی این آیات بدست می آید؛ یک دسته بندی کلی از آن ها است. بدین معنی که می توان آیات مربوط به جَنَّت و مشتقات آن را به چند دسته تقسیم نمود. آیت الله سبحانی در کتاب منشور جاوید، دسته بندی زیر را پیرامون آیات جَنَّت مطرح می نمایند:

▪ جَنَّت آدم (ع): نظیر آیه ۳۵ سوره بقره^{۱۶}.

- **جَنَّت (باغ‌های معمولی) دنیایی:** «هرگز مقصود از هر «جنت» که در قرآن وارد شده است، بهشت موعود [بعد از قیامت] نیست چه بسا قرآن کلمه جنت را در مورد باغ‌های معمولی این جهان بکار برده است، نظیر کهف، ۳۹^{۱۷} یا سبأ، ۱۵^{۱۸}.
- **جَنَّت برزخی:** «آیاتی در قرآن حاکی از آن است که برای برزخیان از نیکوکار و بدکار، بهشت و دوزخی وجود دارد و هم اکنون هر دو مخلوق و آفریده شده‌اند. نظیر یس: ۲۶^{۱۹} و یا نحل: ۳۲.
- **جَنَّت (جَنَّتات) بعد از قیامت:** آیات زیادی حاکی از بهشت (های) بعد از قیامت است؛ نظیر قمر: ۵۴-۵۵^{۲۰}.

اما در خلال این جستجو، برخی از آیات قرآن پیرامون جَنَّت مشاهده شده است که امکان قرار دادن در هر یک از دسته‌بندی‌های فوق را برایمان دشوار می‌نمود البته با بررسی روایات ذیل آن آیات، پاسخ سؤالی را که در ابتدای این بخش مطرح شد؛ در این آیات یافتیم. اینک به توضیح مختصر آیات مذکور و روایات مربوطه پرداخته می‌شود:

الف) الرَّحْمَان: ۶۴ و ۶۲؛ وَ مِنْ ذُنُوبِهِمَا جَنَّتَانِ * فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ * مُدْهَمَّتَانِ : «ما دون آن دو [بهشت بعد از قیامت] دو بهشت دیگر وجود دارد. * پس کدام یک از نعمت‌های پروردگارتان را منکرید؟ * که از [شدت] سبزی سیه‌گون می‌نماید.»

ضمیر تثنیه (هما) در این آیه به دو جنت مذکور در آیه ۴۶ سوره الرحمن (وَ لِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ)^{۲۱} برمی‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۹، ص ۲۲۱)

امام صادق (ع) در روایتی ضمن توصیف یکی از ماجراهای مهم آخرالزمان (قتل ابلیس و تمام پیروان او از زمان خلقت آدم (ع) تا آن هنگام)، آیه مذکور را تلاوت فرموده و آن زمان را، موعد ظهور این دو بهشت در دنیا معرفی می‌نماینند: «...در آن هنگام جنتان مدهامتان در مسجد کوفه و اطراف آن، به آن میزان که خداوند بخواهد ظاهر می‌شوند.»^{۲۲}

ب) آل عمران: ۱۴۲؛ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمِ الصَّابِرِينَ «آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟»^{۲۴}

امام صادق(ع) ذیل این آیه شریفه چنین می‌فرماید: «به خدا قسم نمی‌توانید گردنهایتان را بلند کنید تا اینکه از هم جدا و تمیز داده شوید و از هر ده نفر یک نفر باقی می‌ماند! و باقی نمی‌ماند از شما مگر بسیار کم. سپس این آیه را تلاوت فرمودند.»^{۲۴}

در واقع، امام(ع) در این روایت از باب جری، مصداق جنستی را که در این آیه مطرح شده است، دوران بعد از ظهور معرفی نموده و از لزوم شکل‌گیری وقایع و صحنه‌های سخت آخرالزمان، در قبل از برپایی این بهشت، سخن می‌گویند. اگر از منظر امام صادق(ع) به این آیه نگاه کنیم، به نکته جالبی برخورد می‌کنیم و آن اینکه؛ به چیزی که بعد از ظهور واقع می‌شود بهشت گفته می‌شود و ما می‌خواهیم در بهشت اهل بیت(ع) وارد شویم. از این نگاه می‌توان چنین گفت که صحنه‌های آخرالزمان برای غربال کردن و تمحیص (آزمودن) افراد و اخذ جواز ورود به بهشت بعد از ظهور است^{۲۵} چرا که این بار، افراد می‌بایست لیاقت همنشینی با ولی عالم را کسب نمایند.

ج) هود: ۱۰۸-۱۰۵: . . . فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ * فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَ شَهِيقٌ * خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ * وَ أَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرَ مَجْذُودٍ .^{۲۶}

هرچند که در مورد آیات فوق، وجوه و تعبیر گوناگونی مطرح شده است^{۲۷}، اما در پی جستجو در احادیث مربوطه، حدیث دیگری نیز موجود است که به نوعی بر فضای «بهشتی» بعد از ظهور و به تصریح امام(ع) در قبل از قیامت، دلالت دارد. مفضل بن عمر، در انتهای روایتی نسبتاً مفصل پیرامون ظهور، از امام صادق(ع) در مورد مدت ملک اهل بیت(ع) پس از ظهور، سؤال می‌کند. امام(ع) نیز آیات شریفه فوق را در پاسخ

به این سؤال مفضل تلاوت فرموده و از «جنت» مذکور در آیه ۱۰۸ سوره هود(ع) به عنوان ملک اهل بیت(ع) در دوران بعد از ظهور یاد می‌نمایند(مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۳، ص ۳۴-۳۵) که مدت آن نیز بسیار طولانی خواهد بود و تا آن زمان که مشیت و اراده خداوند به قطع آن تعلق نگرفته است ادامه خواهد یافت. علم وقوع آن زمان نیز تنها در اختیار خود اوست و پس از اتمام این ملک(و به تعبیر این تحقیق، بهشت ظهور) قیامت برپا خواهد شد.

آیات فوق تصدیق‌کننده شکل‌گیری یک «فضای بهشت گونه در بعد از ظهور و قبل از قیامت» می‌باشند. لذا پیشنهاد مقاله در باب موضوع، نخست برای عبارتی که اولاً: حاکی از تصویری از فضای بعد از ظهور(به عنوان آینده جامعه بشری) باشد. ثانیاً: منطبق با آیات و روایات مربوط در این زمینه باشد. ثالثاً: از مبانی و شاخص‌های تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده، بهره‌مند بوده و شوق مستمر افراد را برای حرکت به سمت آن برانگیزاند؛ عبارت زیبا، دلنشین و از آن مهم‌تر قرآنی، «بهشت ظهور» است. عبارتی برای توصیف فضای بعد از ظهور، که طبق این پژوهش، در بیان و انتقال مفاهیم به مخاطب و نیز تحریک و تهییج وی به سمت آینده، بسیار رساتر و شیواتر از واژگان گنگی چون «آرمان‌شهر»، «مدینه فاضله»، «شهر موعود»، «شهر مهدوی» و... است. دست کم به خاطر تفاوت بار معنایی که میان دو واژه «بهشت» و «شهر» وجود دارد؛ عبارت «بهشت ظهور» هم پیام بهتر و دلنشین‌تری را به مخاطب منتقل نموده و هم در او عزم و شوق قوی‌تری را برای پی‌گیری و جستجوی مفاهیم بیشتر نهفته در آن، وا می‌دارد؛ که این خود مقدمه حرکت به سمت آن است. ضمن آنکه این عبارت در مقایسه با واژگان مذکور، در انطباق بیشتر و کامل‌تری با آیات قرآن دارد و شاخص‌های اصلی تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده یعنی «تمام خرد و کمال هنر در آن، با درجه بالاتری لحاظ شده است.»(پورعزت، ۱۳۸۳، صص ۲۳۷-۲۳۸)

در انتهای این قسمت، به ذکر عناوین مطرح در روایات، که به نوعی مختصات بهشت‌گونه فضای بعد از ظهور را در ذهن ترسیم می‌کند، اشاره می‌شود:(شکل ۴)

- برپایی قسط و عدل حقیقی و فراگیر.

- کامل کردن عقول انسان‌ها توسط امام(ع).

- نزول برکات و ارزاق از آسمان و زمین.
- عطای قدرت ۴۰ مرد به یک مرد.
- رضایت اهل آسمان و زمین.
- کامل کردن ایمان افراد.
- طهارت زمین از دشمنان.
- کامل کردن علوم.
- ارث زمین به اولیاء خدا.
- وسعت دیداری و شنیداری مومنین و شیعیان.
- احیاء بندگان و همچنین شهرها.
- همنشینی مومنین با ملائک.
- نزول انواع نعمات.
- علیا کردن «کلمه الله».
- نزول باران از آسمان.
- عمران، آبادانی و سرسبزی این بهشت.
- برقراری امنیت جهت عبودیت خدا.



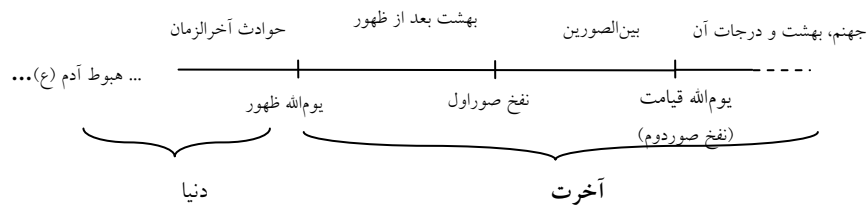
شکل ۴: بهشت ظهور و مختصات آن در روایات

۵. صالحین؛ مدیران آینده

به استناد آیه ۱۰۵ سوره انبیاء (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) «صالحان» مدیران آینده جامعه بشری خواهند بود. چه آنکه وعده الهی بر آن است تا زمین را به ایشان ارث دهند و در اینجا منظور از ارث، «مدیریت» اهل زمین و حاکمیت بر مردم آن است. (ابراهیمی، ۱۳۷۵، ص ۱۶۹) لذا در این راستا، ابتدا کنکاشی در مفهوم صالحین و به دنبال آن «عمل صالح» به عنوان صادره‌های فرد صالح صورت پذیرفت. در حقیقت، گام نخست در این بخش، پی بردن به مفهوم صالحین از مدخل عمل صالح بود تا با فهم بهتر عمل صالح، زمینه برای درک بهتر «صالحین» فراهم گردد. هرچند که میان فردی که عمل صالح انجام می‌دهد (صالح عمل) و فرد صالح (صلاح در ذات) تفاوت است. (جوادی‌آملی، ۱۳۶۹، ص ۸۰). اما این کنکاش با این پیش‌فرض صورت گرفته که تمام صادره‌های فرد صالح، از جمله اعمال او صالح است. به همین دلیل پی بردن به مفهوم عمل صالح در شناخت صالحین راهگشا خواهد بود. بر این اساس نتیجه و یافته بعدی تحقیق، پی بردن به «مفهوم عمل صالح» (و نه مصداق) آن بود. عصاره این کنکاش را می‌توان در یک جمله خلاصه نمود و آن اینکه طبق روایات وارده، مال و فرزندان کشت دنیا هستند و عمل صالح، کشت آخرت است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۷، ص ۲۲۵)، «عمل صالح، عملی شایسته آخرت است». (مجلسی، ۱۴۰۵، ص ۳۶۴)

اما در بررسی آیات و روایات با عنایت الهی به این نکته پی بردیم که مفهوم «آخرت» صرفاً محدود به قیامت و بعد آن نبوده و بلکه در کلام اهل بیت (ع) به عنوان ترجمان وحی خدا، آخرت مفهومی گسترده‌تر داشته و مصادیق بیشتری را شامل می‌شود. بدین معنی که در قرآن، آیاتی درباره آخرت وجود دارد که اهل بیت (ع) ذیل آن‌ها مصداق یا معنای آخرت را زمان «ظهور، دولت امام زمان (عج) و یا رجعت» مطرح فرموده‌اند.^{۲۸} در حقیقت، در فرهنگ قرآنی و روایی که همان فرهنگ حقایق عالم است، از مقطعی از زمان، با واژه «آخرت» یاد می‌شود و از مقطعی با واژه «دنیا». به تعبیر

واضح تر زمان ملک عظیم اهل بیت (ع) تا مقاطع بعدی عالم - بین‌الصورین، قیامت، جهنم و بهشت و درجات آن - با واژه «آخرت» نامیده می‌شود و از زمان ملک عظیم اهل بیت (ع) تا هبوط آدم (ع) با واژه «دنیا» یاد می‌گردد. (اصفهانیان، ۱۳۸۴، ص ۷) (شکل ۵)



شکل ۵: مفهوم آخرت و مواقف اخروی، در مقابل دنیا

در این صورت تعریف مطرح از عمل صالح بدین صورت تکمیل می‌گردد که «عمل صالح، عملی است شایسته و درخور آخرت و به عنوان اولین مصداق آن، مناسب و درخور ظهور.» این مفاهیم را که بیشتر از روایات ذیل آیه ۲۰ سوره شوری^{۲۹} حاصل شده است، می‌توان به صورت زیر خلاصه و مطرح نمود:

آیه شریفه) حرث الآخرة (کشت آخرت) ≠ حرث الدنيا (کشت دنیا).
 حدیث ۲) در توضیح ثمره حرث دنیا: و ما له فی الآخرة من نصیب قال: لیس له فی دولة الحق مع القائم نصیب^{۳۰} ← حرث الدنيا = عدم بهره‌مندی از دولت حق و همنشینی با قائم (عج).
 ← حرث الآخرة = بهره‌مندی از دولت حق و همنشینی با قائم (عج). (نتیجه ۱)

از کنار هم قرار دادن نتیجه اول و حدیثی که در زمینه مفهوم عمل صالح به آن اشاره شد (حدیث نخست: عمل صالح = حرث الآخرة (کشت آخرت))؛ به این نتیجه

می‌رسیم که «عمل صالح، عملی است که به کار ظهور بیاید و منجر به بهره‌مندی از دولت حق و همنشینی با قائم (عج) گردد.»

توجه شود که اولین ثمره عمل صالح از لحاظ زمانی در دولت حق نمایان گشته و قطعاً در مقاطع بعدی آخرت نیز ثمره آن ظاهرتر می‌شود. بلکه این بار قوی‌تر و شدیدتر از گذشته. چه آنکه طبق تعریف مذکور، عمل صالح عملی است، مناسب آخرت و در «تمام مصادیق» آن جایگاه خواهد داشت. با این تعریف از مفهوم عمل صالح، می‌توان به مفهوم صالحین به عنوان واجدان حقیقی عمل صالح بیشتر پی برد و چنین گفت که در حقیقت، صالحین نیز، افرادی هستند شایسته و مناسب آخرت (آینده) و از جمله شایسته ظهور. صالحانی که بنابر دلالت‌های قرآنی و روایی برپایی حکومت حقه اهل بیت (ع) حاصل تلاش و کوشش آن‌هاست که با مجاهدت خود به شایستگی زندگی در آن حکومت نائل گشته و به همان‌ها ارث می‌رسد. (پورعزت، ۱۳۸۳، ص ۲۳۳) صالحینی که با واجد بودن دغدغه «برپایی ظهور»، تمام اعمال و صادره‌هایشان، در اصلاح عالم و آدم به سوی ظهور؛ خلاصه می‌گردد. بنابراین در یک تعبیر زیبا، می‌توان ایشان را «برپاکنندگان ظهور» دانست که در آخر الزمان، مدیران صالحی از جانب پروردگار بر روی زمین خواهند بود.

در ادامه پس از کنکاش در مفهوم صالحین برای احصاء ویژگی‌های صالحین در قرآن تلاش شده است. اما قبل از آن به قیمت و ارزش «صالح بودن» یا «صالح شدن» نزد خوبان الهی پی بردیم. در این بررسی کوتاه به این نتیجه رسیدیم که خوبان الهی بعد از گذراندن تعلیم و تربیت‌های گوناگون خداوندی، و دریافت نعمات الهی از سوی پروردگار، به هیچ یک از آن‌ها اکتفا ننموده و از خداوند متعال درخواست «الحاق به صالحین» و یا ورود به جرگه بندگان صالح او را دارند. جالب آنکه این درخواست در اواخر رسالت یا عمر شریف ایشان در دنیا مطرح می‌شود. از تبعات مهم این نتیجه آن است که جدای از آنکه «صالح شدن» صفتی قیمتی است، مستلزم واجد بودن سایر صفات مثبت و پسندیده‌ای است که خوبان الهی قبل از رسانده شدن به این مقام، می‌بایست به آن مزین باشند. یکی از این صفات مهم، صفات «محسنین» است. چرا که یوسف (ع) در ابتدای جوانی به این صفت مزین شده^{۳۱} (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۱۸۲)

اما در اواخر رسالت خویش و پس از ملاقات با یعقوب (ع) درخواست الحاق به صالحین را از ربّ خویش دارد^{۳۲}. به همین دلیل در احصاء ارزش‌های ایشان، به بررسی ارزش‌های محسنین به عنوان «بخشی از ارزش‌های صالحین» پرداخته شده است.

یکی دیگر از دستاوردهای بررسی مذکور، «نحوه صالح شدن» در منظر این خوبان بود. ایشان صالح شدن را موهبت و تفضلی الهی می‌دانند و سعی دارند تا با اعمال خویش زمینه و بهانه را برای این عطای بزرگ خداوندی آماده نمایند. در این زمینه، باز هم به جهت اختصار، به ذکر نظر علامه طباطبائی (ره) در ذیل درخواست سلیمان (ع) در آیه ۱۹ سوره نمل، بسنده می‌شود: «سپس [بعد از طلب توفیق شکر نعمات خدا بر خود و والدینش] از خدا می‌خواهد که توفیق عمل صالحی که مورد رضایت خود اوست به وی عطا کند و در نهایت آخرین درخواست خود را که در اوج درخواست‌هایش قرار دارد؛ مطرح می‌کند که بعد از توفیق انجام عمل صالح مورد رضایت تو، «مرا به لحاظ رحمتت در زمره بندگان صالح خود داخل فرما!». (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۵۴۸)

از دیگر ثمرات این بررسی، «نحوه طرح درخواست صالح شدن» از جانب وی بود. گو اینکه این موهبت الهی، به حدی نزد او قیمتی است که قبل از طرح درخواست خود، به صورت‌های مختلف و از طریق ذکر و شکر نعمت، به تدریج اوج گرفته و بعد از آنکه در قبال رب‌العزه مستغرق در مقام ذلت شده (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱۱، ص ۳۳۸) و زمینه را برای دعای خویش فراهم می‌نمایند. (جدول ۲)

پس از پی بردن به ارزش والای صالح بودن نزد خوبان الهی، ویژگی‌های صالحین در دو بخش «شرایط الحاق به صالحین» و سپس «ارزش‌های صالحین» در قرآن بررسی شد. این ویژگی‌ها با دو عنوان «منطق و تفکر صالحین» که از ویژگی‌های آنان قابل برداشت است و «نشانه‌های صالح» که در کلام حضرت رسول (ص) تکمیل شده آن را می‌توان در قالب جملات زیر خلاصه نمود:

- صالحین افرادی هستند که صلاحیت اداره عالم را از جانب خداوند دارا هستند و بدین لحاظ می‌بایست از دو ویژگی عمده و قیمتی برخوردار باشند: نخست، شناخت و ایمانی عالمانه به برنامه‌های الهی (ایمان) و هماهنگی خود

با آن‌ها (تسلیم بودن) و دیگری، توانایی پیش‌برد برنامه‌های الهی در عالم که نیاز به ابزار و قوای خاصه الهی با عنوان «حکم» دارد. (شعراء: ۸۳)

▪ و در آینده ایشان قطعاً مدیران آینده جامعه بشری از جانب خداوند خواهند بود. (انبیاء: ۱۰۵)

مطالب مذکور پیرامون صالحین نیز در جدول‌های ۳ و ۴ خلاصه شده است.^{۳۳}

ردیف	نام خوبان الهی	زمان اتصاف به صفت صالح بودن یا درخواست آن از خداوند	استناد
۱	نوح(ع)	حوالی طوفان (اواخر رسالت ایشان)	تحریم: ۱۰ هود: ۴۶ و ۴۵
۲	ابراهیم(ع)	پس از مجاهدت‌ها و مقاومت‌های بسیار در راه خدا، وعده الحاق به صالحین در آخرت به ایشان از سوی خدا	شعراء: ۸۳، بقره: ۱۳۰، عنکبوت: ۲۷، نحل: ۱۲۲
۳	لوط(ع)	در زمان نزول عذاب بر قوم (اواخر رسالت ایشان)	تحریم: ۱۰ انبیاء: ۷۵ و ۷۴
۴	یوسف(ع)	بعد از اتصاف به صفت «محسنین» و اعطای حکم و علم «در جوانی»، ایتای ملک، تعلیم تاویل الاحادیث، در انتهای کار و پس از ملاقات با یعقوب(ع) در خواست الحاق به صالحین را از خدا دارد.	یوسف: ۲۲ یوسف: ۱۰۰ و ۱۰۱
۵	سلیمان(ع)	بعد از اعطای نعمات فراوان از سوی خداوند، در خواست توفیق عمل صالح مورد رضایت خداوند و در جرگه بندگان صالحین قرار گرفتن بواسطه رحمت الهی را دارد.	نحل: ۱۵ تا ۱۹

جدول ۲: قیمت «صالح شدن» نزد خوبان الهی

استناد بایسته	عنکبوت: ۹	عنکبوت: ۹	یوسف: ۱۰۱	شعراء: ۸۳
بایسته (شرط الحاق)	«ایمان» از جمله ایمان به مقولات آینده و برنامه‌های الهی در آن راستا.	«عمل صالح»	«مسلم‌گونه وفات یافتن» (تسلیم محض خدا و برنامه‌های الهی)	«حکم»: قوای خاصه خوبان الهی جهت پیش‌برد برنامه‌های الهی در عالم (کلام نافذ)
			شرط اول	شرط دوم
انتساب بایسته به....	به خود فرد و تلاش وی مربوط می‌شود.	موهبت و تفضلی الهی است.		
استناد انتساب	تمام آیات (الذین آمنوا و عملوا الصالحات)؛ به ویژه (نمل: ۱۹) ^{۳۵} و (عنکبوت: ۹)	یوسف: ۱۰۱ و شعراء: ۸۳		

جدول ۳: شرایط الحاق به صالحین

بایسته اعتقادی	ایمان (به سعی و عزم انسان مربوط است)	شرط اول: (عنکبوت: ۹)	شرایط الحاق به صالحین
	عمل صالح (به سعی و عزم انسان مربوط است)		
بایسته کنشی	مسلم‌گونه وفات یافتن؛ تسلیم محض و همیشگی خدا بودن و هماهنگی با برنامه‌های الهی (توفیقی الهی است)	شرط دوم: (یوسف: ۱۰۱)	

<p>بایسته ابزاری</p>	<p>حکم (کلام نافذ)، قوای خاصه خوبان جهت پیش برد برنامه‌های الهی در عالم (موهبتی الهی است)</p>	<p>شرط سوم: (شعراء: ۸۳)</p>	
	<p>ایمان به الله و یوم الآخر، تلاوت آیات الهی در اوقات شب، سجده به درگاه الهی (آل عمران: ۱۱۴ و ۱۱۳)، سرعت در خیرات (خواندن پروردگار و توجه به او در همه حال هم از روی رغبت و هم از روی رهبت (خوف)، خشوع (تاثیر قلبی) در برابر پروردگار) (انعام: ۸۵، انبیاء: ۹۰): صفات محسنین (بخشی از صفات صالحین): تقوی (یوسف: ۹۰، زمر: ۳۳ و ۳۴، ذاریات: ۱۶ و ۱۵)، مودت اهل بیت (ع) (شوری: ۲۳)، جهاد با نفس (عنکبوت: ۶۹)، استقامت در راه خدا (احقاف: ۱۳ و ۱۲)</p>	<p>اصلاح درون</p>	<p>ارزش‌های صالحین</p>
	<p>امر به معروف و نهی از منکر، سرعت در خیرات (جمععی) (آل عمران: ۱۱۴)، انفاق در همه حال (آل عمران: ۱۳۴) و صدقه (منافقون: ۱۰، توبه: ۷۵)، صبر (یوسف: ۹۰، هود: ۱۱۵)، عدم سخت‌گیری به کارکنان و اجیران (قصص: ۲۷)، کظم غیظ و گذشت از مردم (آل عمران: ۱۳۴)، جهاد در راه خدا (عنکبوت: ۶۹)</p>	<p>اصلاح برون</p>	
			<p>منطق و تفکر صالحین</p> <ul style="list-style-type: none"> - ساختن و آباد کردن آخرت (باتمام مصادیق آن از جمله ظهور) در دنیا. - عدم اکتفا به وضع موجود و پیوسته به دنبال اصلاح بودن در تمام زمینه‌ها. - ما برای امام (ع) نه امام (ع) برای ما (خدمت عاشقانه و بدون توقع)
	<p>- اصلاح کسب و کار - اصلاح اعمال</p>	<p>- تصفیه و پاک نمودن قلب - اصلاح کلیه امور</p>	<p>نشانه‌های صالح</p>

جدول ۴: ویژگی‌های صالحین؛ به سوی الگوی قرآنی.

۶. مقایسه با الگوهای غیر قرآنی

در پایان، الگوی حاصل در مقاله حاضر را با الگوهای غیرقرآنی مقایسه می‌نماییم. برای روشن شدن هر چه بهتر مبنا و ابعاد مقایسه، ذکر این نکته ضروری است که مبنای انجام گرفته در این تحقیق با مبنای الگوهای غیرقرآنی سازگاری نداشته و به عبارت دقیق‌تر بسیاری از موضوعاتی که در زمینه وجوه افتراق میان آینده‌نگری الهی با مادی مطرح شد (ن.ک: جدول ۱)، در اینجا نیز صادق بوده و خود را نمایان می‌سازد، از جمله:

- تفاوت در گستردگی عرصه آینده‌پژوهی.
- تفاوت در نگرش حکمی و روش شناسی.
- تفاوت در نگرش به ماهیت تاریخ.
- تفاوت در جهت نگرش به آینده و ارائه تصویر از آن.
- اختلاف نظر در عوامل تعیین کننده آینده.
- تفاوت در غایت و اهداف آینده‌نگری.
- تفاوت در منابع.

در واقع پیش‌بینی مطرح در الگوهای غیرقرآنی بیشتر ناظر بر پیش‌بینی‌های محدود و کوتاه‌مدت (برنامه‌ریزی) است. اما پیش‌بینی (آینده‌نگری) مطرح در این الگو، بلندمدت بوده و در گستره دینی مطرح است. توجه شود که بلند مدت بودن، به معنای دست روی گذاشتن و غفلت از آن آینده نیست، بلکه بر خلاف این تصور نادرست، دقیقاً مفهومی بیش‌فعال داشته و «آمادگی پیوسته» برای آینده مدنظر (آخرالزمان و ظهور) را دنبال می‌کند و همچنانکه پیش‌بینی‌های محدود (برنامه‌ریزی) را نیز نفی نمی‌نماید؛ بر این موضوع تأکید دارد که این پیش‌بینی‌ها نیز می‌بایست در راستای آینده‌نگری‌های بلندمدت و نگاه دینی آن باشد. خلاصه‌ای از این مقایسه با عنایت به تفاوت‌های پیش‌گفته در جدول ۵ آمده است.

تصویر آینده جامعه بشری و ویژگی‌های مدیران آینده	
الگوی غیرقرآنی	الگوی قرآنی
<p>♦ جهان بحران‌زا و مضطرب و حکومت به ظاهر «قادران»^{۳۶} در آن:</p> <p>– آینده تاریک و نگران‌کننده جهان بشریت (اصغری، ۱۳۷۹، ص ۱۲) و تنها نجات‌بخش آن؛ غرب.</p> <p>– صدارت بلامنزاع غرب بر جوامع انسانی (پورعزت، ۱۳۸۲، صص ۴۶-۴۸) با ابزارهایی چون:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ تکنولوژی برتر و پیشرفته ▪ ثروت بیشتر ▪ تسلط کامل بر طبیعت ▪ دانش محوری و تبادل اطلاعات (با هدف نهایی قدرت^{۳۷}) ▪ قدرت نظامی <p>– در این الگو، دست خدا در خصوص آینده بسته است^{۳۸} و این خود غرب است که باید آینده را آن‌طور که صلاح می‌داند، بسازد (آینده‌سازی).</p>	<p>♦ «بهشت ظهور» و حکومت «صالحان» (انبیاء: ۱۰۵) در آن:</p> <p>– بهشت ظهور؛ آینده روشن جامعه بشری با ویژگی‌هایی چون:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ برپایی حقیقی و فراگیر قسط و عدل حقیقی ▪ نزول برکات و ارزاق از آسمان و زمین ▪ رضایت اهل آسمان و زمین ▪ هم‌نشینی و مراوده مؤمنین با ملانک ▪ طهارت زمین از دشمنان خدا ▪ کامل‌شدن علوم، عقول و ایمان افراد ▪ عمران، آبادانی و سرسبزی و... <p>– در این الگو، نخست باید برای شناخت صحیح و دقیق «برنامه الهی» در خصوص آینده همت گمارد و سپس خود را با آن «تطبیق» داد.</p>
<p>– حکومت «قادران» که در چنین جهان بحران‌زا، در کسب و استفاده از ابزارهای فوق توانمند باشد (پیرالاد، ۱۹۹۷، صص ۲۵۵-۲۷۲) با ویژگی‌هایی چون:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ آشنایی با تکنولوژی روز ▪ توانایی کسب منابع و ثروت ▪ تفکر سیستمی ▪ قابلیت‌های میان فرهنگی ▪ توسعه ظرفیت جهانی و سلطه بیشتر 	<p>– و حکومت «صالحان» در این فضا با ویژگی‌هایی چون:</p> <ul style="list-style-type: none"> ▪ ایمان (شناخت برنامه‌های الهی در راستای آینده) ▪ عمل صالح (عمل مناسب آینده مدنظر خداوند) ▪ «تسلیم محض» خدا و برنامه‌های او بودن ▪ بهره‌مندی از قوای خاصه الهی: «حکم»

<p>(کلام نافذ ابزار پیشبرد برنامه‌های الهی توسط فرد صالح) ■ اصلاح درون و اصلاح برون (با مؤلفه‌های آن) ■ آباد کردن آخرت ■ خدمت عاشقانه به امام(ع) و بدون توقع.</p>	
--	--

جدول ۵: مقایسه الگوی قرآنی حاصل در تحقیق حاضر با الگوهای غیرقرآنی

۷. نوآوری تحقیق

گذشته از آنکه موضوع تصویرپردازی از آینده و آینده‌نگری از مباحث نو پایی است که به تازگی در ادبیات مدیریت کشور ما مطرح شده است؛ آنچه که این تحقیق را از سایر تحقیقات اندک انجام گرفته در این زمینه متمایز می‌سازد، تکیه بر آیات قرآن به عنوان منبعی بی‌بدیل در راستای موضوع پژوهش است. ضمن آنکه این پژوهش از احادیث و معارف اهل بیت(ع) نیز در این راستا بهره جسته است. توجه به ویژگی مدیران آخرالزمان و جامعه پس از ظهور به عنوان الگوی مدیران جامعه اسلامی خود می‌تواند عامل متمایزکننده دیگری به حساب آید.

از سوی دیگر غالب مطالعات مدیریت اسلامی در کشور در قالب «نگاه به گذشته» پی‌گیری شده‌اند. اما شاید نگاه این تحقیق در حوزه مدیریت اسلامی خود، نگاه جدید و منحصر به فردی باشد، چرا که توجه آن معطوف به آینده بوده و بر ویژگی‌های مدیران آینده و لزوم دنبال کردن آن از هم‌اکنون تأکید داشته است. در واقع، این تحقیق به دنبال یک «چرخش پارادیمی در مطالعات مدیریت اسلامی از گذشته به آینده» است و مدعی است که می‌توان الگوی مناسبی را برای مدیریت امور و مدیران در «آینده» و به طور خاص در «آخرالزمان و ظهور» جستجو کرد. ضمن آنکه الگوی مذکور در تعیین مسیر و جهت حرکت جامعه و مدیریت کلان کشور بسیار اثرگذار است. تأثیری که ناشی از یک نگاه «آینده‌محور» است. البته توجه شود که این موضوع به معنای نفی نگاه

به گذشته در مطالعات مدیریت اسلامی نیست؛ بلکه صرفاً فتح بابی در این مطالعات است که از نظر نگارنده از اهمیت و قابلیت بالایی برخوردار است.

به دیگر سخن، نوشتار حاضر، «صالحین» را مدیران آینده دانسته و بر این موضوع تأکید داشته که باید به دنبال «صالح شدن» بود. چه آنکه «صالحین» در گذشته نیز در دنیا برای آخرت و ساختن آن، می‌زیستند. طبق نتایج پژوهش حاضر، «صالح شدن» امری بس عظیم و تفضلی الهی است، اما به هر حال باید بدانیم که صالحین؛ «تنها» اداره‌کنندگان صحنه‌های عالم از جانب خداوند» خواهند بود. لذا سعی شده است تا شرایط الحاق به صالحین و برخی از مهم‌ترین ارزش‌های ایشان در کنار منطق و تفکر آن‌ها احصاء شود. اما با عنایت به تمام این مطالب، باز هم زبان حال ایشان این است که رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ (نمل: ۱۹)

یادداشت‌ها:

- 1- Prediction
- 2- Forecast
- 3- Strategic Planning
- 4- Prospective
- 5- Future Study
- 6- Possible Futures
- 7- Probably Futures
- 8- Preferable Futures
- 9- Oseep Flechtheim
- 10- Futurology
- 11- Mahdavisism Study

۱۲. اسلام در تئوری‌های آینده‌نگرانه خود در نظام عالم، مقاطع زیر از آینده را مدنظر قرار می‌دهد و جالب آنکه اصالت در این نگاه با «آخرت» است: جهان آینده‌ای که تا قبل از ظهور منجی (امام زمان عیج) و در «آخرالزمان»، پیش‌روی بشر و عالم است. جهان آینده‌ای که در هنگام «ظهور» امام (ع) تحقق می‌یابد. جهان آینده‌ای در «قیامت» رقم خواهد خورد. در نهایت، جهان آینده‌ای که در «بعد از قیامت» (جهنم و بهشت‌ها) در عالم تحقق خواهد یافت.

۱۳. برای مطالعه بیشتر پیرامون رویکرد القائی. (ر.ک: پورعزت، ۱۳۸۴)
۱۴. مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان جلد ۱ توضیح کاملی در این خصوص آورده‌اند که بخشی از آن بدین شرح است: «...جری، یعنی تطبیق کلی بر مصداق بارز و روشن آن... این را هم باید دانست، که کلمه جری (تطبیق کلی بر مصداق)، که ما در این کتاب از آن بسیار نام می‌بریم، اصطلاحی است که از کلمات ائمه اهل بیت (ع) گرفته‌ایم.» (طباطبائی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۵۰)
۱۵. به‌عنوان مثال، بحارالانوار، ج ۵۲، احادیث مطرح در باب ۲۷.
۱۶. وَ لَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنَ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَ وَلَدًا.
۱۷. لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُنُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ.
۱۸. قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ.
۱۹. الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمْ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ يَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ، شهید مطهری در بیان آیات مربوط به بهشت برزخی، علاوه بر ذکر آیه ۲۶ سوره یس، آیه فوق را نیز دال بر بهشت برزخی دانسته؛ چنین مطرح می‌کند: «...این بهشت‌ها مربوط به عالم برزخ است نه عالم قیامت. علی‌هذا اینکه در دو آیه فوق کلمه بهشت آمده است نباید سبب اشتباه شود که مربوط به قیامت است.» (مطهری، ج ۲، صص ۵۱۵-۵۱۴)
۲۰. إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ* فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُقْتَدِرٍ.
۲۱. برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد، دو باغ بهشتی است!
۲۲. «...» و عند ذلك تظهر الجنتان المدهامتان عند مسجد الكوفة و ما حوله بما شاء الله. (الحلی، ۱۳۷۰، صص ۲۶-۲۷).
۲۳. ترجمه آقای فولادوند.

۲۴. قرب الاسناد، ص ۱۶۲ - (أحمد بن محمد بن عیسی، عن أحمد بن محمد بن أبی نصر، عن الرضا علیه السلام) و كان جعفر علیه السلام يقول: - / البحار ج ۵۲ ص ۱۱۳ ب ۲۱ ح ۲۵ / معجم احادیث الإمام المهدی (عج) ج ۵، ص ۶۴، ح ۱۴۸۸.

۲۵. الف) جابر جعفی می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم فرج شما کی خواهد بود؟ فرمود: هیئات هیئات فرج ما تحقق نمی‌پذیرد مگر اینکه شما غربال شوید، باز هم غربال شوید، باز هم غربال شوید، این را سه بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود و یا کسی بماند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲ ص ۱۱۳)

(ب) برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۵۲، باب ۲۱.

۲۶. «...آنگاه بعضی از آنان تیره‌بختند و [برخی] نیکبخت و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند. تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو همان کُند که خواهد و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند، تا آسمان‌ها و زمین برجاست، در بهشت جاودانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که این] بخششی است که بریدنی نیست.

۲۷. برای آگاهی از این وجوه متعدد ر. ک: طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۱ صص ۳۳-۵۶.

۲۸. به عنوان مثال ر. ک: کورانی و همکاران، ۱۴۱۱، ج ۵. احادیث ذیل آیات: شوری: ۲۰، اسراء: ۷۲، نحل: ۲۲، اسراء: ۷، نساء: ۷۷.

۲۹. مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ: کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشت‌هاش می‌افزاییم و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم ولی در آخرت او را نصیبی نیست.

۳۰. برای او در دولت حق به همراه قائم (عج) نصیب و بهرهای نخواهد بود.

۳۱. وَ لَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَ چون به حد رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. (یوسف: ۲۲).

۳۲. وَ رَفَعَ أَبْوَيْهَ عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَ قَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَ

قَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَ جَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ
مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي
لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ * رَبِّ قَدْ
آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ
السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِی الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِي
مُسْلِمًا وَ الْحَقِّنِي بِالصَّالِحِينَ: پدر و مادرش را به تخت برنشانید و [همه
آنان] پیش او به سجده درافتادند و [یوسف] گفت: «ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من،
به یقین، پروردگرم آن را راست گردانید و به من احسان کرد آنگاه که مرا از زندان خارج
ساخت و شما را از بیابان [کنعان به مصر] باز آورد - پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را
به هم زد- بی گمان، پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است، زیرا که او
دانای حکیم است.

پروردگارا، تو به من دولت دادی و از تعبیر خوابها به من آموختی. ای پدیدآورنده آسمانها
و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی؛ مرا مسلمان بمیران و مرا به شایستگان ملحق
فرما». (یوسف: ۱۰۰-۱۰۱)

۳۳. توجه شود که هر یک از مطالب مندرج در جداول، دارای استدلالها و استنادات قرآنی
است، که متأسفانه از حوصله این مقاله خارج است. همچنین معنای دقیق و صحیح برخی از
مفاهیم آن نظیر؛ ابزار «حکم»، دارای مباحث عمده، مفصل و در عین حال با اهمیتی است که
خود مجال دیگری را می طلبد.

۳۴. در تمیز بین «رفتار (Behavior)» و «کنش (Action)» در متون مربوطه چنین می یابیم که
«برخی نظریه پردازان از اصطلاح رفتار برای اشاره به آنچه می توان از خارج مشاهده کرد و از
اصطلاح «کنش» برای اشاره به آنچه فرد قصد انجام آن را دارد، استفاده می کنند.» به بیان دیگر،
آنچه در کنش (نسبت به رفتار) مهم است توجه به باورها، عقاید، نیت و به تعبیر این تحقیق
«ایمانیات» فرد در اعمال و صادره های اوست. از آنجا که عمل صالح فرد صالح، مبتنی بر
ایمانیات اوست، لذا به نظر می رسد، استفاده از واژه «کنش (عمل)» به جای «رفتار» مناسب تر
باشد. برای مطالعه بیشتر در تفاوت بین کنش و رفتار، ر.ک: دهنارت، ۱۳۸۲، صص ۶۱-۶۲.

۳۵. علامه طباطبایی (ره) در توضیح این بخش از آیه (... وان اعمال عملاً صالحاً...) چنین
می گویند که: «نکته دیگر در کلام جناب سلیمان (ع) این است که در درخواست عمل صالح

گفت: (اینکه «من» عمل صالح انجام دهم) و خود را در آن مداخله داد. ولی در صلاح ذات نامی از خود نبرد و این بدان جهت است که هرکسی در عمل خود دخالت دارد... به خلاف ذات که در دست ما نیست». (طباطبایی، ۱۳۷۶، ج ۱۵، ص ۵۴۸)

۳۶. بر اساس یونس: ۲۴: ...حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَارْتَبَتِهَا وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا، و روایات ذیل آن؛ به عنوان مثال، امام صادق(ع) در توضیح بخش اخیر آیه شریفه می فرماید: «آنها امرنا لیلاً أو نهاراً، یعنی القائم بالسیف. (کورانی، ۱۴۱۱، ج ۵، ص ۹۸، ح ۱۵۲۰)

۳۷. بر اساس نظر فرانسیس بیکن که معتقد است که هدف نهایی علم و دانش، «قدرت» است. ر.ک: دژاکام، ۱۳۷۵، صص ۱۶۱-۱۶۵.

۳۸. تفکر غرب در خصوص آینده به تفکر یهود بسیار نزدیک است. تفکری که طبق آیات قرآن، دست خدا را در اداره آینده عالم بسته می داند. [مائده: ۶۴]: قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا وَ أَلْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَ الْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و یهود گفتند: «دست خدا(با زنجیر) بسته است.» دست هایشان بسته باد! و بخاطر این سخن، از رحمت(الهی) دور شوند! بلکه هر دو دست(قدرت) او، گشاده است؛ هرگونه بخواهد، می بخشد! ولی این آیات، که از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنها می افزاید و ما در میان آنها تا روز قیامت عداوت و دشمنی افکنیم. هر زمان آتش جنگی افروختند، خداوند آن را خاموش ساخت؛ و برای فساد در زمین، تلاش می کنند؛ و خداوند، مفسدان را دوست ندارد.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.

ابراهیمی، محمدحسین (۱۳۷۵)، مدیریت اسلامی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

اصفهانیان، سعید (۱۳۸۴)، «طبیعت از منظر قرآن»، در گودرزی، مصطفی، خیال شرقی، تهران: فرهنگستان هنر.

اصغری، امیرحسین (۱۳۷۹)، «اندیشه دینی و بحران در نظریات آینده‌پژوهانه»، کیهان، ۱۳۷۹/۱۱/۲.

الحرانی، ابو محمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه (۱۳۷۷)، ترجمه تحف العقول، ترجمه بهراد جعفری، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

الحلی، حسن بن سلیمان (۱۳۷۰ق)، مختصر بصائر الدرجات، النجف: منشورات المطبعه الحیدریه، الطبعة الاولى.

الوانی، سیدمهدی (۱۳۸۵)، مدیریت عمومی، ویراست سوم، تهران: نشر نی، چاپ ۲۷. انصاری بحرانی، ابراهیم (۱۴۲۷ق)، دوله المهملی المنتظر، موقع الکوثر (www.al-kawthar.com/maktaba).

برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «پیش‌بینی در علم سیاست، مقایسه علوم دقیقه و علوم انسانی»؛ سخن سمت، شماره ۹.

بحرانی، سید هاشم، بی‌تا، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: افست علمیه، ج ۳. بل، وندل (۱۳۸۴)، «مقصود ما از آینده‌پژوهی چیست؟»، در: اسلاتر و همکاران (مؤلفین)، نواندیشی برای هزاره نوین: مفاهیم، روش‌ها و ایده‌های آینده‌پژوهی، ترجمه ملکی‌فر و همکاران، تهران: مؤسسه آموزشی تحقیقاتی صنایع دفاعی.

پایا، علی (۱۳۸۳)، «آینده‌اندیشی: هست‌ها و بایدها»، خردنامه همشهری، شماره ۲۶. پیرالاد، سی. کی (۱۹۹۷)، «مدیران عصر جدید و عرصه‌های جدید رقابت» در: هسلین، فرانسیس و همکاران، سازمان فردا، ترجمه فضل‌الله امینی، تهران: نشر فردا.

پورعزت، علی‌اصغر (۱۳۸۲)، «تصویرپردازی از آینده: استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی»، سخن سمت، شماره ۱۰.

همو (۱۳۸۳)، «تصویرپردازی از شهر عدل امام مهدی (عج): تجلیگاه تمام خرد و کمال هنر انسانی»، قم: مرکز تخصصی مهدویت، *انتظار موعود*، شماره ۱۳.

همو (۱۳۸۴)، «تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده موعود: استراتژی فوق‌فعال انتظار شهر عدل در ایران»، *کمال مدیریت* (ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران) شماره ۸ و ۹.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۶۹)، *ولایت در قرآن*، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم. دژاکام، علی (۱۳۷۵)، *تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری*، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه.

دنه‌پارت، رابرت (۱۳۸۲)، *تئوری‌های سازمان دولتی*، مترجمین سید مهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: انتشارات صفار.

ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۸۴)، «دکترین مهدویت و حکومت جهانی مهدوی»، *انتظار موعود*، شماره ۱۶.

رفیعی، سیدجعفر و استادآقایی، عباس (۱۳۸۴)، *آیا ظهور نزدیک است؟*، قم: انتشارات گل‌نرگس، چاپ سوم.

سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۳ق)، *الدرالمشور* (دوره ۸ جلدی)، بیروت: دارالفکر، ج ۶. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹ق)، *منتخب الاثر*، قم: سیده المعصومه، چاپ اول، ج ۱.

صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی (۱۳۶۲)، *امالی*، تهران: کتابخانه اسلامی، چاپ چهارم، ج ۱.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۶)، *ترجمه تفسیرالمیزان* (دوره بیست جلدی)، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی‌همدانی، تهران: بنیاد علمی فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

طبرسی، ابومنصور احمدبن علی (۱۴۰۳ق)، *الاحتجاج*، مشهد: نشر مرتضی، ج ۱.

عسگری، محمود (۱۳۸۳)، «ماهیت و آثار راهبردی آینده‌پژوهی»، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال اول، شماره اول.

کارگر، رحیم (۱۳۸۳)، *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، *الکافی* (دوره ۸ جلدی)، تهران: دارالکتب الاسلامی، ج ۱ و ج ۸.

کميجانی، داوود (۱۳۸۴)، *طرح پژوهشی «بررسی مبانی آینده‌پژوهی دینی و غیردینی»*، تهران: بی‌نام.

کورانی، علی و همکاران (۱۴۱۱ق)، *معجم احادیث الامام المهدی (ع)*، قم: موسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.

گودرزی، غلامرضا (۱۳۸۳)، «طراحی مدل مفهومی مدیریت بحران آینده‌نگری با رویکرد فرهنگی»، *کمال مدیریت*، شماره ۴ و ۵.

همو (۱۳۸۴)، *طرح پژوهشی «طراحی مدل تصمیم‌گیری استراتژیک در حوزه سیاستگذاری مبتنی بر انتظار موعود در شیعه امامیه»*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، *درس‌های سیاست خارجی*، تهران: انتشارات مشکوه.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار*، دوره ۱۱۰ جلدی، بیروت: موسسه الوفاء.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲)، *کتاب رجعت*، مصحح سیدحسن موسوی، قم: انتشارات دلیل‌ما.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۵)، *عین‌الحیاه*، بیروت: موسسه الوفاء.

مفید، محمدبن محمدبن نعمان بغدادی (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ اول، ج ۱.

مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی (۱۳۹۹ق)، *عقد الدرر (فی اخبار المنتظر)*، قاهره: مکتبه عالم الفکر، چاپ اول.

ملکی‌فر، عقیل و همکاران (۱۳۸۵)، *القبای آینده‌پژوهی*، تهران: انتشارات کرانه علم.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، ج ۲.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹)، «پیام به مهاجرین جنگ تحمیلی ۶۸/۱/۲»، *صحیفه نور*

ج ۲۱، تهران: سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی.

نقی پورفر، ولی الله (۱۳۸۴)، «رهبری بصیر در اسلام»؛ کمال مدیریت (ویژه نامه مدیریت دولتی و چشم انداز جمهوری اسلامی ایران)، شماره ۸ و ۹.

یاوری، وحید (۱۳۸۴)، تصویرپردازی از آینده بر اساس اندیشه ها و آثار شهدا؛ مورد مطالعه:

ویژگی های جامعه آرمانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، پایان نامه کارشناسی ارشد.

Cornish, Edward (2004), "Futuring: the exploration of the future" Mary Land, *World Future Society*, No/3.

Glenn, Jerome (2003), "Introduction to Future Research Methodology Series", *futurevenezuela Journal*, www.futurevenezuela.org

